

قرار گرفته بود اهدا کردم. این جایزه در واقع یکی از بهترین جوایز اقتباسی به شمار می‌رفت که امیدوارم دوباره برقرار شود چون عامل مهمی در تشویق نویسندگان و فیلمسازان است. همچنین نهادهایی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در سال‌های اخیر نزدیک به ۱۰۰ رمان منتشر کرده است می‌تواند در این زمینه نقش زیادی داشته باشد و اقتباس را الویت کار خود قرار دهد.

بیوک ملکی، شاعر و نویسنده:

تیراژ کتاب در حوزه کودک و نوجوان شوخی است

بیوک ملکی، شاعر و نویسنده پیشکسوت کودک و نوجوان نیز درباره وضعیت ادبیات کودک گفت: ادبیات کودک و نوجوان امروز حال خوبی ندارد و روزگارش مصداق ضرب‌المثل معروف «آفتابه لگن هفت دست ولی شام و ناهار هیچی» شده است. این که هر سال در نمایشگاه کتاب



ناشران و نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان گردهم می‌آیند خوب است ولی کار ساز نیست. چون این حوزه در شرایط فعلی با مشکلات زیادی دست به گریبان است. نمونه بارز این مشکلات سقوط تیراژ کتاب است که حتی وقتی آن را با تیراژ کتاب‌های بیست سال پیش مقایسه می‌کنیم می‌بینیم چقدر افت داشته است. تیراژ کتاب تا دهه ۷۰ حداقل ۲۰ هزار نسخه بود ولی امروز به‌رغم دو برابر شدن جمعیت کودک و نوجوان، عملاً شاهد عقب‌گرد در این زمینه هستیم. به طوری که تیراژ ۵۰۰ کتابی این آثار شوخی‌ای بیش نیست. امروز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دائم به انتشار کتاب می‌پردازد و مراسم رونمایی هم برای این کتاب‌ها برگزار می‌کند ولی واقعاً چقدر کتابخانه‌های کانون با حضور کودکان و نوجوانان فعال است؟ یا تیراژ کتاب‌های خود کانون چقدر در این سال‌ها افزایش داشته است؟ واقعیت این است که بچه‌ها الان سراغ کتاب نمی‌روند. از این‌ها گذشته، نظام آموزش و پرورش ما در این سال‌ها کوچک‌ترین قدمی برای فراهم کردن زمینه مطالعه در مدارس بر نداشته است. دلیلش هم این است که دست‌اندرکاران آموزش و پرورش خودشان از سواد و تخصص لازم در این زمینه بی‌بهره بوده و نتوانسته‌اند آنچه لازم است را به کودکان و نوجوانان انتقال دهند. می‌توان گفت، آموزش و پرورش در این سال‌ها به معنی واقعی کلمه نسبت به کتابخوانی بچه‌ها کوتاهی کرده و با وجود آن که می‌توانسته کارآمد و مفید باشد خنثی عمل کرده و درکی از مسئولیت خود نداشته است. هر وقت هم چنین بحث‌هایی پیش می‌آید پای بودجه وسط کشیده می‌شود. در حالی که ربطی به بودجه ندارد و باید خلایقیت کودکان و نوجوانان پرورش یابد. اما جایی که معلم خودش از خلایقیت و دانش بی‌بهره است چطور می‌توان انتظار داشت که چنین مفاهیمی را به بچه منتقل کند.

این شاعر کودک و نوجوان ادامه داد: نظام آموزشی ما کنکور زده است. هر چند نوجوان بعد از عبور از هفت خوان کنکور و تحصیل در رشته مورد نظر هم نمی‌تواند شغل مناسب خود را در جامعه به دست بیاورد. واقعیت با شرایطی که ادبیات کودک دارد، خود را کنار کشیده‌ام. چون معتمد کار خود را در طول ۴۰ سال فعالیت کرده‌ام. حتی کتاب آخر خودم را هم از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پس گرفتم و از چاپ آن منصرف شده‌ام. چرا که در بهترین حالت، فقط تعدادی از یک کتاب به فروش می‌رود و ناشر تعداد زیادی از این کتاب‌ها را به بعضی از ارگان‌ها هدیه می‌کند و تعدادی را هم به نویسنده می‌دهد. در چنین شرایطی که ادبیات کودک و نوجوان مخاطبان خود را از دست داده است انتشار کتاب چه دستاوردی برای نویسنده می‌تواند داشته باشد.

ملکی افزود: نمایشگاه کتاب در این سال‌ها بیشتر یک فروشگاه بوده نه نمایشگاه به تعبیر درست. البته این مسئله اشکالی هم ندارد، ولی اگر یک نوجوان بخواهد در نمایشگاه چهار یا پنج کتاب قصه و شعر برای خود انتخاب کند چنین امکانی سخت به دست می‌آید. چون نمایشگاه در قبضه کتاب‌های بازاری قرار گرفته و به ندرت می‌توان به کتاب قصه یا شعر خوب رسید. حتی معتمد باید نمایشگاه جداگانه‌ای برگزار شود و کتابهای بازاری اسباب بازی کاردستی و... به جای آن که در کنار کتاب‌های جدی در نمایشگاه قرار بگیرند در نمایشگاه دیگری عرضه شوند تا مخاطب بتواند راحت‌تر کتابهای مورد علاقه خود را بیابد.

و نوجوان تقریباً به حال خود رها شده و هم‌وغم اغلب ناشران این است که چطور بتوانند از رهگذر چاپ یک کتاب به بازگشت سرمایه و سودآوری برسند.

رییس هیات مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان اضافه کرد: هر سال در نمایشگاه کتاب به افزایش تعداد ترجمه‌ها به نسبت کارهای تالیفی برمی‌خوریم. جای تاسف است که بازار کتاب‌های کودک و نوجوان امروز در سیطره آثار ترجمه است و کارهای تالیفی در انزو قرار گرفته و عملاً نه از سوی ناشر و نه مخاطب با اقبال مواجه نمی‌شود. مگر تعدادی از ناشران که قدرت تبلیغ بیشتری را بر روی کتاب‌های تالیف خود در فضای مجازی دارند و می‌توانند روی کتابهای تالیفی مانور بیشتری دهند. و گرنه کفه آثار ترجمه به نسبت کارهای تالیفی سنگینی می‌کند، به همین خاطر است که افق روشنی را برای آثار تالیفی نمی‌بینم. مگر می‌شود که نویسنده با سالی یک بار کتاب نوشتن امرار معاش کند؟! آن هم در شرایطی که پروسه انتشار هر کتاب دست کم ۶ ماه به طول می‌انجامد و اغلب ناشران حق التالیف ناچیزی را برای نویسنده در نظر می‌گیرند که در بازه زمانی یکساله به نویسنده پرداخت می‌شود! چرخه نشر کتاب‌های کودک و نوجوان بیمار است و فقط چشم‌انداز فعالیت بعضی از ناشران و نویسندگان که در شبکه‌های رانتهی قرار دارند روشن که هیچ، تابان است. بحث من ادبیات بالنده کودک است که با توجه به شرایط نابسامان تالیف و نشر در شرایط بگریج و نگران‌کننده‌ای قرار گرفته است.

جهانگیر یان افزود: به طوری که در دهه ۶۰ کتاب‌های این حوزه از تیراژ ۵۰ هزار تایی برخوردار بودند یا همین‌طور در دهه ۷۰ که نشر کودک و نوجوان حمایت بیشتری به عمل آمد. ولی از نیمه دوم ۸۰ به بعد و اوایل دهه ۹۰ شاهد سیر نزولی ادبیات کودک بوده‌ایم. این نویسنده که در سال‌های گذشته بر اساس رمان «هامون» و دریا» به قلم او فیلم اقتباسی به همین نام به کارگردانی ابراهیم فروزش ساخته شد با اشاره به این که جای اقتباس آثار ادبیات نوجوان در سینمای کودک و نوجوان خالی است و نویسنده‌ای که اثرش ولو این که قابلیت تبدیل به فیلم را دارد از این توفیق بی‌بهره است اذعان داشت: یکی از راه‌های برداشته شدن فاصله ادبیات و سینما، اقتباس است. در واقع برای آن که نویسنده دامنه مخاطبان خود را گسترش دهد می‌تواند اثر خود را وارد سینما و تئاتر کند. در این صورت هم به لحاظ مادی دستاورد بیشتری از خلق یک اثر خواهد داشت و هم همان‌طور که گفتم، بر تعداد مخاطبان کارهایش افزوده می‌شود. چون تعداد مخاطبان سینما را از مخاطبان کتابخوان بیشتر است. هر چند نویسنده به تنهایی نمی‌تواند این کار را بکند و نهادهایی مثل بنیاد سینمایی فارابی می‌توانند در مسیر اقتباس آثار نویسندگان کودک و نوجوان نقش زیادی داشته باشند. در سال‌های گذشته، در بنیاد سینمایی فارابی شوراهایی در این زمینه تشکیل می‌شد که نویسندگان و کارگردانان سینما با یکدیگر دیدار می‌کردند. این که چطور شد زنده یاد پوراحمد کارهای هوشنگ مرادی کرمانی را تبدیل به سریال کرد یا این که همکاری بین من و ابراهیم فروزش به چه صورت شکل گرفت هم حاصل چنین نشست‌هایی در فارابی بود. البته این‌طور نبود که کارگردان برود و تمام آثار نویسندگان را بخواند، بلکه از روی خلاصه رمان‌ها که در سایت فارابی قرار دارد و در کنار آن شماره تلفن نویسنده نوشته شده است، ارتباط بین نویسنده و کارگردان برقرار می‌شده است. درست است که اقتباس از آثار کودک و نوجوان در سینمای امروز کم‌رنگ شده اما هنوز هم می‌توان تعاملاتی از این نظر انجام داد. در حال حاضر، پلتفرم‌ها به تولید انبوه سریال می‌پردازند که حتی گاهی اسم این سریال‌ها به یاد آدم نمی‌ماند اما از این بین سریالی مثل «قصه‌های مجید» و «زخم کاری» برجسته می‌شود، چون اقتباسی هستند. بنابراین اقتباس در حالی صورت می‌گیرد که بنیاد فارابی و سایر نهادهای فرهنگی همراه با کارگردانان دلسوز و علاقه‌مند به این حوزه با نویسنده به تعامل کنند. البته همان‌طور که اشاره کردم در سال‌های گذشته به شکل پراکنده کارهایی در این زمینه شد اما ادامه نیافت.

جهانگیر یان ادامه داد: نمونه آن در دوره رضاداد در بنیاد فارابی بود که یک جایزه اقتباس در نظر گرفتند و خودشان در جشنواره فیلم فجر این جایزه را اهدا می‌کردند و در جشنواره فیلم کودک و نوجوان هم انجمن نویسندگان کودک این جایزه را به برگزیدگان می‌داد. خود من چهار دوره دبیر هیات داوران بودم و به نمایندگی انجمن این جایزه را به نویسنده‌گانی که کارشان مورد اقتباس

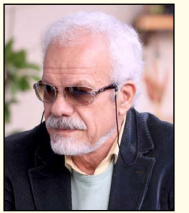
چاپ محروم می‌مانند. خوشبختانه با وجود تمام محدودیت‌های حوزه نشر، کتاب‌های من به فروش می‌رود و خودم ناشر کتاب‌هایم هستم. ولی واقعیت این است مجموعه آنچه گفتم باعث شده تا ادبیات کودک و نوجوان دچار یک جور درجا زدگی و بن‌بست شود و کودکان و نوجوانان از کتاب خواندن فراری باشند.

عباس جهانگیر یان نویسنده:

ادبیات کودک سهمی در رویداد

نمایشگاه کتاب ندارد

عباس جهانگیر یان نویسنده و رییس هیات مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان درباره این که اساساً طی دوره‌های متوالی نمایشگاه کتاب، حق ادبیات کودک چقدر ادا شده است گفت: به نظرم وجه بازرگانی و اقتصادی نمایشگاه کتاب در این سال‌ها بیشتر از بخش‌های دیگر برجسته بوده است. درست است که در کشورهای دیگر هم به بخش بازرگانی در نمایشگاه‌های کتاب پرداخته می‌شود ولی در کنار آن به دیگر مباحثی چون سمینارها، نشست ناشران با نویسندگان، شاعران و مترجمان و... توجه می‌شود. چنانکه غرغه کتاب‌های کودک و نوجوان در نمایشگاه کتاب امسال هم به تبع سال‌های گذشته با همان مشکلات همیشگی دست و پنجه نرم می‌کند و معتمد برگزاری نمایشگاه کتاب نمی‌تواند نقش زیادی در احیاء کالبد نیمه‌جان ادبیات کودک و نوجوان داشته باشد. ضمن این که برپایی نمایشگاهی مثل نمایشگاه کتاب در بهترین حالت می‌تواند فرصت فعالیت بیشتر برای ناشران را فراهم کند و این که به مدد برگزاری نمایشگاه، ناشران مجالی می‌یابند تا انبارهای خود را سبک کنند و تعدادی از تولیدات خود را در معرض دید بگذارند. در این بین، اهالی ادبیات کودک چندان که باید در این رویداد سهمی نمی‌برند. این نویسنده در ارزیابی شرایط فعلی حوزه ادبیات کودک افزود: به حدی در این زمینه نگران هستم که آینده روشنی را برای ادبیات کودک متصور نیستم. به خصوص این که وضعیت کتاب



کاغذی در سال‌های اخیر با افت جدی مواجه بوده است و عواملی نظیر گرانی کاغذ و ریزش تیراژ در این زمینه نقش جدی داشته‌اند. البته به حاشیه رانده شدن کتاب را نمی‌توان فقط به گردن فضای مجازی انداخت، به نظر می‌رسد که دلایل دیگری باعث شده تا جامعه به نسبت گذشته از کتابخوانی و مطالعه فاصله بگیرد. در عین حال، در این سال‌ها با کم‌کاری بعضی از نهادهای فرهنگی مواجه بوده‌ایم. البته به نظر من به لطف تکنولوژی، کتاب‌های صوتی و به طور کلی محصولات فرهنگی‌ای که بشود آن را در فضای مجازی ارائه داد در حال حاضر از وضعیت بهتری برخوردارند ولی درباره نشر کاغذی افق روشنی را پیش رو نمی‌بینم.

جهانگیر یان که اخیراً نامزد جایزه «آسترید لیندگرن» شده است ادامه داد: طبعاً وقتی جامعه به سمت مصرف‌گرایی و تجملات می‌رود، کالاهای لوکس از جمله کتاب‌هایی که به لحاظ بصری و تصویری از جذابیت و حتی قیمت بیشتری برخوردارند نزد بعضی از اقدشار جامعه با اقبال مواجه می‌شوند. کم‌این که گاه می‌بینیم خریداران اغلب این آثار طبقه مرفه جامعه هستند. طبقه‌ای که قشر نوظهور جامعه به شمار می‌روند و خرید کتاب‌هایی با قیمت بالا هم برایشان دشوار نیست. در سال‌های اخیر به دلیل شدت گرفتن موانع اقتصادی، طبقه متوسط کوچک‌تر یا بهتر بگوییم له شده است. در واقع طبقه متوسط دیگر توان پرداخت هزینه‌های فرهنگی از جمله خرید کتاب را ندارد و تمام تلاشش بر این است که سفره‌اش خالی نماند. کم‌این که وقتی به فروشگاه‌های مختلف می‌رویم چینش کالاها به گونه‌ای است که گویی بازار فقط برای طبقه فرادست جامعه شکل گرفته و قشر متوسط از هر نوع امکانات به خصوص امکانات فرهنگی محروم مانده است.

جهانگیر در باره حمایت از حوزه نشر کتابهای کودک و نوجوان گفت: در سال‌های گذشته، وزرات فرهنگ به حمایت بیشتری از ناشران می‌پرداخت. این حمایت هم بیشتر به دو شکل صورت می‌گرفت، یکی از طریق خرید کتاب از ناشران و دیگری اعطای وام به آنها با بهره‌های پایین بود که این مسئله باعث می‌شد تا ناشران رضایت نسبی داشته باشند و بتوانند با فراغ بال بیشتری به تولید کتاب بپردازند. ولی امروز حوزه نشر به ویژه نشر کتابهای کودک